

## بررسی حقوق بشر در اسلام

سید معصوم حسینی<sup>1</sup>

چکیده :

حقوق بشر از اساسی ترین و ابتدایی ترین حقوقی است که هر فرد به طور ذاتی و فطری از آن بهره مند می شود . در این مقاله بعد از مفهوم شناسی حقوق، در لغت و اصطلاح فلسفی، حقوقی، فقهی و سیاسی به بررسی « حق » در اصطلاح قرآن پرداخته شد، و گفته شد که حق در قرآن در دو دسته، معانی غیر حقوقی حق و معانی حقوقی حق، قابل ذکر است . در ادامه به بیان پیش فرض های حقوق بشر در اسلام و تئوری حقوق بشر در اسلام اشاره گردید و بیان شد که تئوری حقوق بشر در دو بخش ، تاریخ تکوین حقوق بشر در اسلام و تاریخ تدریس حقوق بشر در اسلام، قابل بررسی است، همچنین به مبانی حقوق بشر از قبیل ، حق حیات، حق آزادی ، عدالت پرداخته شد و در انتها به تحول حقوق بشر در تاریخ اسلام اشاره گردید.

واژگان کلیدی: قرآن، حقوق، حقوق بشر، اسلام، تاریخ

مقدمه :

حقوق بشر اساسی ترین و ابتدایی ترین حقوقی است که هر فرد به طور ذاتی ، فطری و به صرف « انسان بودن » از آن بهره مند می شود .

این تعریف ساده عواقب و بازتاب اجتماعی و سیاسی مهمی را برای مردم و حکومتها به دنبال دارد . مطابق اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین المللی این حقوق ویژگی هایی همچون جهان شمول بودن، سلب ناشدنی ، انتقال ناپذیری، تفکیک ناپذیری، عدم تبعیض و برابری طلبی، به هم پیوستگی و درهم تنیدگی را دارا است . از این رو به تمامی افراد در هر جایی از جهان تعلق دارد و هیچ کس را نمی توان به صرف منطقه جغرافیایی که در آن زیست می کند از حقوق بشر محروم کرد ضمن این که همه افراد فارغ از عواملی چون نژاد، ملیت، جنسیت و غیره در برخورداری از این حقوق با هم برابر و یکسانند و در این خصوص کسی را بر دیگری برتری نیست .

این حقوق شامل حقوق طبیعی یا حقوق قانونی که در قوانین ملی و بین المللی موجودند می شود .

<sup>1</sup> .عضو هیأت علمی و استاد یار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم . masoomhosseini@gmail.com

دکترین و فعالین حقوق بشر در فعالیت های بین المللی خود در زمینه حقوق بین الملل ، نهاد های جهانی و منطقه ای، سیاست های دولتی و در فعالیتهای سازمان های غیر دولتی، اساس و شالوده ی سیاست های عمومی و اختصاصی در این زمینه را بنا نهاده است .

در واقع می توان گفت در صورتی که جامعه جهانی در فضای صلح ، با یک زبان مشترک اخلاقی ، گفتگو و مباحثه کنند این زبان مشترک اخلاقی، در واقع ، حقوق بشر نامیده می شود . با این وجود هنوز امروزه دکترین حقوق بشر ، نظریه هایشان را در این مورد با شک و تردید بیان می کنند و مباحثه آنان بیشتر در زمینه محتوا، ماهیت، و چگونگی توجیه حقوق بشر است . در واقع پرسش بحث برانگیز همانا خود معنای حق یا حقوقی است که باید به رسمیت شناخته شود و این بحث در گفتمان های فیلسوفان همچنان ادامه دارد .

جوامع انسانی همواره نیازمند قانونی سودمند است که ناشی از قانون منابع ذاتی و طبیعی انسان باشد و از خلقت و شخصیت انسان سرچشمه بگیرد . روشن است که اطاعت از چنین قانونی که مطابق با فطرت است واجب می باشد. از آنجا که اعتقاد ما بر این است که اسلام دینی مطابق با فطرت است به بررسی حقوق بشر از دیدگاه اسلام می پردازیم که پیشینه به قدمت اسلام دارد .

دین اسلام از ابتدا به دنبال حق و حقیقت بود و همواره برای انسان جایگاهی بلند در نظر داشت . کوشش ما نیز در این نوشتار این است که بخشی کوچک از دریای عظیم مطالب را در این باره بیان نماییم .

### مفهوم شناسی :

برای دریافت مفهوم صحیحی از حقوق بشر از منظر اسلام ، باید مفهوم حق و بشر و دیدگاه اسلام نسبت به آن مورد بررسی قرار گیرد .

### مفهوم حق :

### حق از نظر لغت :

1-به معنای « ثابت » ( نقیض باطل) : ( مدرسی، 1375 ، ص25)

2-به معنای « توانایی و اختیار قانونی افراد » : ( واحدی، 1376 ، ص13)

3-به معنای « قرار گرفتن چیزی در موضع خودش، که آن موضع برای وی در نظر گرفته شده است » ( طبرسی، 1372، ج4، ص101)

4-در فرهنگ های فارسی نیز حق به معنای « راست، درست، ضد باطل، ثابت، واجب، کاری که البته واقع شود و ... یاد شده است » ( عمید ، 1369، ذیل واژه حق)

## حق از نظر اصطلاح:

حقوق (جمع حق)، مجموعه مقرراتی است که در زمان معین بر جامعه ای حکومت می کند. تا آن جا که تاریخ به یاد دارد، انسان همواره در بند این گونه الزام ها بوده است. (کاتوزیان، 1377، ص 32)

حقوق، مجموعه قواعد، نظام ها و مقرراتی است که برای تنظیم روابط افراد و استقرار نظم وضع گردیده و دارای ضمانت اجرایی کافی و مؤثر است. (مهرپور، 1374، ص 36)

حق، در علوم گوناگون استعمال می شود. گاهی معنای آن در یک اصطلاح با معنای آن در اصطلاحی دیگر متفاوت است، لذا ما به بعضی از اصطلاحات حق در برخی از علوم به عنوان نمونه یک تعریف را ارائه خواهیم نمود.

### «حق» در اصطلاح فلسفی:

در آثار فیلسوفان مسلمان، معانی متعددی برای «حق» بیان شده است، به عنوان نمونه:

«مطلق وجود که در خارج فعلیت دارند» (رضا نژاد، 1371، ص 307)

این معنا علاوه بر حکیم ملاهادی سبزواری از حکمای دیگر نقل شده است (دینانی، 1376، ص 83)

### «حق» در اصطلاح حقوقی:

حوزه حقوق از حوزه هایی است که فراوان به بحث حق پرداخته است. حقوق دانان در بحث های حقوقی مباحث مختلفی درباره «حق» مطرح کرده اند، به عنوان نمونه:

«حق در اصطلاح حقوقی، مفهومی اعتباری است، بدین معنا که این مفهوم، به هیچ وجه مابازاء عینی خارجی ندارد. تنها در ارتباط با افعال اختیاری آدمیان مطرح می شود. انسان ها از آن جایی که دارای اختیار هستند لاجرم دسته ای از کارها را باید انجام داد، دسته ای دیگر را نباید انجام دهند و از انجام آن صرف نظر کنند. با توجه به همین «باید» ها و «نباید» های حاکم بر رفتار انسان ها، مفاهیمی از قبیل «حق» و «تکلیف» اعتبار می شود. مثلاً وقتی گفته می شود: حق خیار، حق شفعه، و یا حق زن و مرد و به عکس، همین مفهوم اعتباری مورد نظر می باشد.

سپس با توج به آن گذشت، در تعریف حق می توان گفت: «حق امری است اعتباری که برای کسی (لّه) بر دیگری (علیه) وضع می شود. (مصباح یزدی، 1377، ص 26)

### «حق» در اصطلاح فقهی

«حق» در اصطلاح فقهی و در کلام فقها دارای معانی مختلف است که ما در اینجا دیدگاه یکی از فقهای بزرگ جهان تشیع را بیان می داریم:

آیه ا... خوئی (ره) می نویسد:

«حق» نوعی از سلطنت است که امور آن به دست «مَنْ لَهُ الْحَقُّ» می باشد» (خوئی، 1412ق، ص333)

«حق» در اصطلاحات فقهی اغلب به معنای «سلطنت» آمده است. این معنا از آیه شریفه: «مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا» (اسرا/33)

هر، مظلوم کشته شود، به سرپرست وی سلطنت و قدرتی داده ایم. نیز استفاده می شود. زیرا مراد از سلطنت در این آیه شریفه، سلطنت و امتیازی است که ولی دم، در قصاص از قاتل و یا گرفتن دیه از او می توان اعمال نماید.

«حق» در اصطلاح سیاسی:

بین اصطلاح حقوقی و اصطلاح سیاسی، در تعریف «حق» تفاوتی وجود دارد و آن این است که:

در اصطلاح حقوقی، حقوق و وظایف افراد و گروه ها به عنوان انسان هایی که موجودند و هر انسان ذی حیاتی برای تدام حیاتش از حقوق انسانی و الهی برخوردار است نگاه می شود. اما در اصطلاح سیاسی، نوع نگاه به مسأله حق در نحوه مناسبات و تعامل میان حکومت و ارکان و اجزاء آن با مردم شکل می گیرد.

سپس در اصطلاح سیاسی «حق» به معنای امتیاز، و جمع آن حقوق است. امتیاز عبارت است از: تبلور عنصر یا عناصری از توانایی بهره گیری فرد یا جمعیتی از آن چیزی که سزاوار آن است. (فرهینخته، 1377، ص352)

«حق» در اصطلاح قرآن کریم:

مفهوم «حق» در قرآن کریم به معانی مختلفی بکار رفته است، در قرآن کریم 247 بار واژه «حق» به کار رفته است. حدود ده درصد از آنها مربوط به حق به مفهوم حقوقی می باشد. و در موارد دیگر معانی دیگری استفاده شده است. پس معانی «حق» در قرآن کریم در دو دسته قابل ذکر خواهد بود. (مصباح یزدی، 1377، ص34؛ جوادی آملی، 1384، ص28)

الف: معانی غیر حقوقی حق در قرآن:

1-گاهی حق در قرآن، به مثابه صفت برای خدای متعال بکار رفته است. به عنوان مثال: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ» (حج/62)

این بدان سبب است که خدا حق است.

2-درباره، کارهای خداوند به معنای فعل حکیمانه استعمال شده است. (روم/8)

3-گاهی به معنای هدایت آمده است. (یونس/32)

4- به عنوان وصفی برای دین خدا: ( فتح/28)

5- به معنای وحی، ( فاطر /31)

6- به معنای قصص، ( آل عمران/62)

7- به معنای حکم، (ص /26)

8- و ...

ب: معانی حقوقی « حق » در قرآن

در مواردی که در قرآن واژه « حق » در معنای حقوقی ( حق داشتن) استعمال شده است ، اغلب به یکی از دو صورت ذیل به کار رفته است .

1- گاهی به عنوان صفتی برای فعل انسان مکلف آمده است.

« ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ » (بقره/61) : (... این بدان سبب بود که به آیات خدا کفر می ورزیدند و پیامبران را به ناحق می کشتند) در آیه شریفه ، خداوند، عمل کشتن پیامبران را تقبیح نمود، و این فعل را « ناحق » معرفی فرموده است . این عمل از آن جهت که از لحاظ حقوقی برای یهودیان ثابت نبوده است و آنان حق انجام آن را نداشتند مورد مذمت قرار گرفته است. همچنین آیات : آل عمران / 21-112 و 181- نساء / 155 – انعام/151- اسراء /33- فرقان/68 – اعراف/33- یونس /23- شوری/42 به این معنا اشاره دارند .

2- در مواردی از آیات قرآن واژه « حق » به همان معنای حقوقی به کار رفته است . مانند آیه شریفه :

«... فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ...» (بقره/282): (... پس آن را بنویسید و باید نویسنده ای در میان شما متن قرار داد را به حق و عدل بنویسد...)

همچنین آیات دیگر: ذاریات:19 ؛ معارج:24 و 25 ؛ انعام: 141 ؛ اسراء: 26 ؛ روم : 38 ؛ به این معنا دلالت دارند.

معنای بشر:

بشر از نظر لغوی: به معنای انسان است .

از نظر اصطلاحی : از دیدگاه اسلام ، انسان موجودی ارزشمند است که باید به عنوان یک موجود باشعور و دارای اراده و اختیار و به دیده احترام به او نگریست . حقیقت بشر، همان فطرت مصون از تبدیل و تغییر است که در اثر ارتباط با خصوصیت های اقلیمی ، گوناگون خواهد بود . ( جوادی آملی، 1375، ص23)

مفهوم حقوق بشر:

« حداقل حقوقی که خداوند به انسان از آن جهت که انسان است و فارغ از رنگ، نژاد، زبان، ملیت، جغرافیا، اوضاع و احوال متغیّر اجتماعی با میزان قابلیت و صلاحیت ممتاز و فردی او اعطا کرده است» (باقر زاده، 1383، ص 35)

حقوق بشر؛ عبارت از مجموعه اصول پذیرفته شده ای است که از طبیعت انسان ناشی شده و ذاتی بشر تلقی می گردد. (ابوسعیدی، 1363، ص 181)

پیش فرض های حقوق بشر در اسلام :

حقوق بشر را در اسلام با پیش فرضهای ویژه اش می توان در دو بُعد نظری و عملی مورد مطالعه قرار داد .

1- مبانی فلسفی و عقیدتی بسیاری از اصولی که به نام حقوق بشر مطرح می گردد و حتی مفاهیم برخی از این اصول از دیدگاه اسلام با آن چه که در تفکر غربی تحت همین عناوین ارائه می شود متفاوت و احیاناً فاقد مشترکات اصولی است .

2- بحث از حقوق بشر در اسلام، صرفاً یک بحث انفعالی و تطبیقی نیست با مراجعه به نصوص اسلام و تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی جوامع اسلامی در طول پانزده قرن می توان به این حقیقت دست یافت .

« وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا » (اسراء/ 70) : (به راستی ما فرزندان آدم را به موهبت عقل و خرد گرایی داشته و آنان را در دریا بر کشتی ها و در خشکی بر مرکب ها سوار نموده و از خوراکی های مطبوع به آنان روزی داده و آنان را بر بسیاری از کسانی که آفریده ایم چنان که باید برتری بخشیده ایم).

3- اندیشه حقوق بشر در اسلام بر مبنای تفکر توحیدی است نه اومانیسم . آن گونه که در غرب دیده می شود . (زنجانی، 1388، ص 13)

4- در تفکر اسلامی انسان آزاد ولی مسئول شناخته شده است و میزان مسئولیت انسان است که حدود آزادی او را تعیین می کند. (زنجانی، 1388، ص 552)

5- اعتبار حقوق بشر و الزام آور بودن آن، بخاطر آن است که حقوق بشر جزئی از مکتب اسلام و قوانین الهی است و ایمان است که به حقوق بشر اعتبار می بخشد و آن را الزام آور می کند.

بی شک همه آن چه که تحت عنوان حقوق بشر در اسلام مطرح می شود از احکام تأسیسی اسلام نیست ، بلکه بخشی از این مفاهیم جزء احکام امضائی اسلام است که به دلیل منطقی و متناسب بودن با فطرت انسان، مورد تأیید قرار گرفته و از دیدگاه اسلام به عنوان حقوق الزامی بشر شناخته شده است . (طباطبائی، 1417، ج 16، ص 198)

6-اسلام این حق و امتیاز بزرگ را برای بشر قایل شده است که قبول دین و تسلیم به شریعت از سوی انسان با عقل و منطق همراه باشد و تبیین دین و شریعت برای انسان به مرحله قابل قبولی رسیده باشد. «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (بقره/256)

در دین تحمیلی نیست این در حالی است که راه رشد و راه ضلالت آشکار گردیده است .

7- و ...

تئوری حقوق بشر در اسلام:

برای شناخت تاریخ تئوری حقوق بشر در اسلام ناگزیر باید آن را به دو بخش تقسیم و هر کدام را بطور جداگانه مورد بررسی قرار داد.

الف: تاریخ تکوین حقوق بشر در اسلام

ب: تاریخ تدوین حقوق بشر در اسلام

تاریخ تکوین مجموعه حقوق اسلام با نزول آیات قرآن و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و سیره عملی و تقریر آل حضرت ترسیم شده است . به عنوان نمونه به چند مورد از آیات و روایات که در این حوزه وارد شده است اشاره می گردد.

1- «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء/92)

ای مردم به یقین این است نوع شما که همه یک امت هستید و یک هدف را دنبال می کنید. سپس پیش از یک پروردگار ندارید و پروردگار شما منم پس مرا بپرستید.

صاحب تفسیر المیزان می فرماید : آیه شریفه مبین این حقیقت است که در تئوری امت در دیدگاه اسلامی، فرد بر حسب ادراک و اراده و اختیار خود و ایمانی که به ارزش های والا دارد جزئیت کل (جامعه - ملت - امت) را می پذیرد و خود را وقف آن و گاه فدای آن می سازد و این ، عالیترین مرحله آزادی بشر محسوب می شود . ( طباطبایی، 1417ق ، ج4، ص123)

2- «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان/3) : (ما انسان را آفریدیم او در سپاسگذاری و ناسپاسی مختار است .)

در جهان بینی اسلام حق آزادی و اختیار در همه حال برای فرد به عنوان حق غیر قابل سلب ثابت و محفوظ است . و آیه شریفه : «فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ» (کهف/29)

دلیل واضحی بر این تفکر است .

3- « يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ ۖ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا » (حجرات/13) : (ای مردم ما شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و شما را به صورت تیره های گوناگون و قبیله ای قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید ...)

در دیدگاه قرآن ، تفاوتها جنبه ارزشی ندارد . بلکه صرفاً مربوط به پیچیدگی های نظام آفرینش و عامل معرفت و رشد فکری انسان می باشد .

4- « لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ ۗ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ ۗ ... » (بقره/256) : (در گرایش مردم به دین اجباری نیست ، زیرا راه درست به خوبی از راه نادرست مشخص شده است ...)

نفی اکراه از مقوله حقوقی روشنی است که ضمن تحریم سلب آزادی انسان به صورت یک اصل حقوقی در محاکمات به کار گرفته می شود .

5- حضرت علی (علیه السلام) می فرماید : « كَفَى بِأَمْرٍ جَهْلًا أَنْ لَا يَعْرِفَ قَدْرَهُ » ( دشتی ، 1385 ، خ 16)

جهالت نسبت به موضع و جایگاه اصیل انسان و ارزش والای آن، مایه اصلی همه بی عدالتی ها و ستمها و عدم شناخت صحیح انسان از خویشتن بوده و تا انسان به شناخت صحیح از خود و دیگران نرسد ، نسبت به مسئولیتهايش جاهل خواهد بود .

6- در فلسفه سیاسی اسلام، هدف بعثت انبیاء بازگرداندن انسانها به آزادگی است : « فَإِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا لِيُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنْ عِبَادَةِ عِبَادِهِ إِلَىٰ عِبَادَتِهِ » ( دشتی، 1385، خطبه 154)

(خداوند پیامبران را مبعوث نمود تا بندگانش را از عبودیت بندگان آزاد نماید و به عبودیت الله راهنمای نماید)

و به انسانهایی که به خاطر نیاز کرامت خود را از دست می دهند می فرماید: « لَا تَكُنْ عَبْدًا غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا » ( دشتی، 1385، نامه 31)

( بنده دیگری مباش چرا که خدوند تو را آزاد آفریده است .

### تاریخ تدوین حقوق بشر در اسلام:

با جمع آوری آیات قرآن کریم در همان سالهای نزول قرآن اولین مرحله تدوین حقوق بشر در اسلام انجام گرفت . پس می توان تاریخ تدوین حقوق بشر به دهه دوم قرن اول هجری نسبت داد و قرآن را در مقایسه با آن چه که در غرب تحت عنوان حقوق بشر تدوین شده یکی از کهن ترین اسناد مدوّن در حقوق بشر شمرد . ( عمید زنجانی، 1388 ، ص 19)

با تدوین احادیث و سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت و تألیف جوامع حدیث و سیره نبوی ، گام دیگری به صورت وسیع تر در زمینه تدوین حقوق بشر در اسلام برداشته شد و مبانی و ریشه های حقوق بشر در لابلای کتب حدیث و سیره مطرح گردید .



با آغاز تدوین فقه و اخلاق، که شکل جامع تر آن در قرون سوم و چهارم تجلی نمود، مباحث حقوق بشر در اسلام در کتاب های فقهی و اخلاقی این عصر، همچون «مبسوط» شیخ طوسی(ره) به طور استدلالی مطرح و مورد نقد و تحلیل قرار گرفت. ( عمید زنجانی، 1384، ج2، ص25)

## مبانی حقوق بشر در اسلام

### 1- حق حیات

نخستین حقی که قرآن کریم برای انسان بر شمرده، حق حیات است. حیات خود به خود دو گونه است: مادی و معنوی، هیچکس مجاز نیست حق حیات مادی یا معنوی دیگران را سلب کند. سلب حق حیات مادی با قتل تحقق می یابد.

در دیدگاه قرآن این کار برابر است با نابود سازی همه جامعه، مگر آن که با دلیل درستی صورت پذیرد.

« مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا » ( مائده/32 ) : (هر کس دیگری را جز برای قصاص یا مبارزه با فسادگری بکشد، گویا همه مردم را کشته است)

سلب حق حیات معنوی به وسیله گمراه سازی صورت می پذیرد. کسی که دیگران را به هر طریق گمراه می کند، حیات معنوی آنان را از میان می برد. ( جوادی آملی، 1375، ص175)

از دیدگاه قرآن، حق حیات تنها از طرف خداوند به انسان بخشیده شده است و از این رو تنها خدا می تواند در آن تصرف کند. پس هرگونه نابودسازی مادی و معنوی، بدون اذن خداوند چه از سوی خود و چه از سوی دیگران ممنوع است.

### 2- حق آزادی

گویا ترین سند در این مورد بیان امام علی (علیه السلام) است که خطاب به فرزندش امام حسن مجتبی (علیه السلام) می فرماید:

«لَا تَكُنْ عَبْدًا غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا» ( دشتی، 1385، نامه 31 ) : ( بنده جز خدا مباش زیرا خداوند تو را آزاد آفریده است )

در این پیام، آزادی در رهایی از بندگی غیر خدا خلاصه می شود. به همین دلیل، امام علی (علیه السلام) خود عزت و افتخار خویش را در همین آزادی می یابد:

«إِلَهِی كَفَى بِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا وَ كَفَى بِي فَخْرًا أَنْ تَكُونَ لِي رَبًّا» (مجلسی، 1404ق، ج73، ص42) : (خدایا، مرا این بزرگواری بس که بنده توام، و این افتخار مرا بس که تو پروردگار منی)

عدالت اصلی ترین آرمان بشر و فلسفه بعثت انبیا و سرشت قانون مداری است « لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ » (حدید/25) : (به راستی ، پیامبران خویش را با نشان های روشن و همراه با کتاب و میزان فرستادیم تا مردم عدل را بر پا دارند )

هیچ اصلی در زندگی فردی و اجتماعی نمی تواند این اصل را نقص نماید . اصالت و حقانیت حقوق بشر نیز در چهار چوب عدالت پذیرفته شده است . مفهوم این اصل ، آن است که حقوق بشر نمی تواند از چهار چوب عدالت بیرون باشد، عدالت یکی از معیارهای سنجش حقوق بشر است . ( عمید زنجانی، 1388، ص44)

### تحول حقوق بشر در تاریخ اسلام

نکته مهم در تاریخ حقوق بشر در اسلام، روند تحوّل حقوق بشر در مقام تبیین نظری و عملکردها در تاریخ اسلام می باشد .

مطالعه تحولات حقوق بشر در این حوزه از دوران حیات پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) آغاز می شود .

احترامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به عنوان شخصیت برتر الهی و مقام رسمی سیاسی به انسانها از هر عقیده و رنگ و طبقه اجتماعی ، قایل بود و شخصیتی که به زنان داد و اعمال جاهلیت را در زمینه های تحقیر و تبعیض و ستم نسبت به انسانهای محروم نمود در مسیر تاریخ بشری کم نظیر است . ( عمید زنجانی، 1388، ص20)

متأسفانه در دوران خلافت امویها، نظام طبقاتی و اندیشه امتیاز طلبی و انحصار جویی ابتدا از طریق تحریف ارزشهای اسلامی و سپس به اتکاء قدرت مالی، نظامی و سیاسی در مناطق به دور از معارف اصیل اسلامی، جایگزین مساوات و آزادی و احترام به حقوق انسانها گردید و خلافت از این اصل اسلامی، منحرف و بسیاری از ارزشهای اسلامی در زمینه حقوق بشر مورد تحریف قرار گرفت .

بنی عباس که ابتدا برای مبارزه با انحصار طلبی و رفتار ضد بشری امویان برخاسته بودند، سرانجام به دلیل ماهیت عوامل موثر در انتقال قدرت به گروه اجتماعی جدید عباسیان نیز به همان راه اسلاف خود کشانده شده و این بار با شیوه ای دیگر ارزشهای اسلامی تحریف و تبعیض و بی احترامی و تحقیر به انسان ها به صورتی شدید تر از گذشته اعمال گردید . (زنجانی، 1376، ح146)

تصویر خشن و غیر عادلانه و نقض حقوق بشری که ترکهای عثمانی از اسلام در دوران حکومت مستبدانه خود ارائه دادند، سال های متمادی موجب گردید که اسلام در اندیشه غربیان در شکل یک تهاجم نظامی بی رحمانه و رفتار خشونت آمیز و تحقیر بشری تصویر شود و تز اسلام با شمشیر پیشرفت کرده است ، در اذهان آنها رسوخ نماید . (زنجانی، 1376، ص327)

در دو قرن اخیر، با کمال تأسف، نفوذ فرهنگ و استعمار غربی اکثر مسلمانان را از هویت اسلامی بیگانه و آنان را به گرایش های تجدّد طلبانه و معنای نادرست و روشنفکری و رفتار و تفکر غیر مسئولانه لائیک سوق داد و در حقیقت در قرن اخیر مسلمانان، نه به درستی راه و رسم اسلامی را در زمینه احترام به حقوق بشر داشته اند، بلکه رفتار کاملاً غربی را اعمال کرده اند. ( زنجانی، 1388، ص 239)

جمهوری اسلامی ایران، بلندترین گام را در تصویر حقوق بشر در اسلام برداشته و در یک فصل جداگانه تحت عنوان حقوق ملت و طی بیش از 24 اصل مسایل حقوق و آزادیهای اساسی را برشمرده است. ( زنجانی، 1384، ج 1، ص 336)

آیا انسان حق تدوین حقوق بشر را دارد؟

آیا با صرف تدوین قرارداد می توان برای بشر حقی را مطرح کرد و باید و نباید و تکلیفی متوجه او کرد. با این که تعیین این باید ها و نباید ها باید ریشه در آن هست ها داشته باشند تا بتوان به آن نام حق بشر را داد؟

آیا خود انسان این توان را دارد که این هست ها را بشناسد و براساس آن بایدها و نبایدها و حقوق خویش را تعیین کند؟ یا این که انسان آفرین این صلاحیت را دارد؟

پر واضح است که تعیین حقوق از منظر اسلام وظیفه صاحب شریعت است و در قرآن کریم و سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) حقوق انسانی به صورت مشروع آمده است. (شعرانی، 1298ق، ص 84)

پس طرفدار و عهده دار حقوق بشر فقط قرآن مجید است. که منطبق وحی است و جوامع روائی از نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و بحار و کافی و دیگر اصول و مستند های اسلامی همه از شؤون قرآن بوده و به یک معنا قرآن متنزل اند. (حسن زاده آملی، 1389، ص 110)

مسئلاً تبیین اصول و طرق تکامل انسان و حقوق وی باید ماوراء الطبیعی و الاهی باشد و این کار توسط ارسال شرایع مختلف صورت گرفته، متن همه این شرایع، دین ابراهیمی است.

«وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا» (نساء/125): (و دین چه کسی بهتر است از آن کس که خود را تسلیم خدا کرده و نیکوکار است و از آیین ابراهیم حق گرا پیروی نموده است؟)

«قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِّلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا ۚ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (انعام/161): (بگو: آری، پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده است، دینی پایدار، آیین ابراهیم حق گرای، و او از مشرکان نبود)

«وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ تَهْتَدُوا ۗ قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا ۗ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (بقره/135): (و اهل کتاب) گفتند: یهودی یا مسیحی باشید، تا هدایت یابید؛ بگو: نه، بلکه بر آیین ابراهیم حق گرا هستیم و وی از مشرکان نبود.

سزاوارترین افراد و شرایع به دین ابراهیمی که دین حنیف اسلام است، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و پیروان او هستند. امروزه از نظر اسلام و قرآن، دین اسلام شایسته ترین دین برای تبیین حقوق انسان است. (جعفری، 1370، ص 83)

پس ممکن نیست بدون عنایت به جهان بینی و پیوند انسان با جهان، به تدوین حقوق بشر پرداخت. حامیان همین اندیشه بودند که با صرف قرارداد میان خود، به تنظیم توافقنامه ای درباره حقوق بشر پرداختند و آن را «اعلامیه جهان حقوق بشر» خواندند. اینان خواسته یا ناخواسته، از این حقیقت غفلت ورزیدند که امضای چنین توافقنامه ای هرگز به صلاح و سود همه یا اکثر مردم جهان نیست. (جوادی آملی، 1375، ص 89)

اعلامیه جهانی حقوق بشر دارای ناراستی ها و کاستی های اساسی است که ریشه در انحراف های فکری مکاتب غیر دینی دارند و دلیل اصلی ناکامی «اعلامیه جهانی حقوق بشر» را باید در منابع و مبانی حقوق بشر غربی و الحادی جستجو کرد. در این قسمت فهرست وار، به برخی از آن کاستی ها اشاره می گردد.

1- گسستن از فطرت 2- غفلت از رابطه نسان و جهان آفرینش 3- غفلت از رابطه انسان به خدا 4- تجربه ای تلخ و عبرت آموز (جوادی آملی، 1375، ص 257)

## نتیجه

از آن چه بیان سده می توان نتیجه گرفت که :

- 1- حقوق بشر، از اساسی ترین حقوقی است که هر فرد بطور ذاتی و فطری از آن بهره مند می شود.
- 2- «حق» در علوم مختلف استعمال می شود که در هر علمی معنای خاص خود را دارد.
- 3- در اصطلاح قرآن هم «حق» در معانی مختلف بکار رفته است.
- 4- بحث از حقوق بشر در اسلام، صرفاً یک بحث انفعالی نیست، بلکه بر مبنای تفکر توحیدی است.
- 5- حقوق بشر در اسلام، همزمان با نزول قرآن و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ترسیم شده است.
- 6- مبانی حقوق بشر در اسلام، بر مبنای قرآن و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است.
- 7- علت شکست و ناکارایی اعلامیه حقوق جهانی حقوق بشر، در منابع و مبانی آن است.

کتاب نامه

1. قرآن کریم
2. ابراهیمی دینانی، غلامحسین (1376) شعاع اندیشه و شهود در فلسفه سهروردی، تهران، حکمت .
3. ابوسعیدی، مهدوی (1343) حقوق بشر و سیر تکامل آن در غرب، نشر آریا.
4. باقر زاده، محمد رضا (1383) جهان شمولی حقوق بشر در اسلام، معرفت فلسفی، ش 7، قم، موسسه امام خمینی (ره).
5. جعفری، محمد تقی (1370) نظام جهانی حقوق بشر، دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران.
6. جوادی آملی، عبدالله (1375) فلسفه دین، فلسفه حقوق بشر، اول، قم، اسراء.
7. ..... (1384) حق و تکلیف در اسلام، تحقیق مصطفی خلیل، قم، اسراء.
8. حسن زاده آملی، حسن (1369) انسان و قرآن، تهران، الزهراء.
9. رضائزاد، غلام حسین (1371) حکیم سبزواری، زندگی، آثار، فلسفه، بی جا، کتابخانه سنایی.
10. شعرانی، ابوالحسن (1398ق) دائرة المعارف لغت قرآن مجید، قم، نشر طوبی.
11. طباطبایی، سید محمد حسین (1417ق) المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
12. طبری، فضل بن حسن (1373) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو.
13. عمید، حسن، 1389، فرهنگ فارسی عمید، اول، تهران، مجید.
14. عمید زنجانی، عباسعی (1376) انقلاب اسلامی و ریشه های آن، تهران، نشر کتاب سیاسی.
15. .... (1384) فقه سیاسی، تهران، امیر کبیر.
16. .... (1388) مبانی حقوق بشر در اسلام و جهان معاصر، تهران، مسجد .
17. فرهیخته، شمس الدین ( 1377 ) فرهنگ فرهیخته، (واژه ها و اصطلاحات سیاسی، حقوقی) تهران، زرین.
18. کاتوزیان، ناصر (1377) فلسفه حقوق، اول، شرکت سهامی انتشار.
19. مجلسی، محمد باقر (1404ق) بحار الانوار، انتشارات الوفاء، بیروت.
20. مدرسی، علی (1375) حقوق فطری یا مبانی حقوق بشر، اول، تبریز، نوبل.
21. مصباح یزدی، محمد تقی (1377) حقوق و سیاست در قرآن، نگارش محمد شهرابی، قم، موسسه آموزشی امام خمینی (ره) .
22. موسوی خوئی، سید ابوالقاسم (1412ق) مصباح الفقاهه فی المعاملات، به قلم میرزا محمد علی توحیدی، بیروت، دار الهادی.
23. مهرپور، حسین (1374) حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، انتشارات اطلاعات .
24. واحدی، قدرت الله (1376) مقدمه علم حقوق، دوم، تهران، کتابخانه گنج دانش .